



تعزیه یکی از آیین‌های قدیمی و سنتی عزاداری در ایران است

شعبه خوانندگان



قرار ساعت هشت
بالهم از ۱۱ روزهای ۲۳ صبحیه سجاده

خدایا پر محمد و آتش رحمت فرست و چون در انجام وظیفه شکر نعمت‌هایت در حال آسایش و سختی و تندرستی و بیماری کوتاهی کنم، اعتراف به حق خودت را روزیام ساز، تا به هنگام ترس و ایمنی، خشم و رضا، سود و زیان، مسرت خاطر و آرامش دل خود را در انجام وظیفه‌ام نسبت به تو بیام.



در زمان قاجار تعزیه‌های زنانه هم برگزار می‌شد. موضوع و محتوای این تعزیه‌ها بیشتر درباره مصائب زنان کربلا بود و بازیگران و تماشاگران آن هم همگی زن بودند.



نعیمه موحد | «خداحافظ ای کودکان از وفا، شما را سپردم به ذات خدا، خداحافظ ای کودکان حسین، خداحافظ ای دختران حسین، بپر زینب این کودکان در حرم، به من زندگی ننگ شد خواهرم»
اولیاخوان دور خیمه می‌چرخد و با کاغذ در دستش شعرها را می‌خواند. جمعیت گریه می‌کنند، انگار که صحنه روز عاشورا و خداحافظی امام حسین(ع) از خانواده‌اش را از نزدیک می‌بینند. این توصیفی از مراسم «تعزیه» است که بیشتر در ایام محرم و در بسیاری از شهرهای ایران برگزار می‌شود. مراسم قدیمی و اصیلی که تاریخچه جالبی هم دارد.

تکیه دولت

مشخص نیست دقیقاً از چه زمانی در ایران و بین شیعیان تعزیه برگزار شده است، اما این آیین مذهبی در زمان ناصرالدین شاه بسیار اوج گرفت. ناصرالدین شاه مکانی به اسم «تکیه دولت» ساخته بود که در آنجا تعزیه‌خوان‌های دولتی مراسم اجرا می‌کردند.
ناصرالدین شاه حتی مقامی دولتی به اسم «ناظم البکا» (مسئول مراسم عزاداری) را هم منصوب کرده بود که به تعزیه‌های تکیه دولت نظارت کند.
البته این کارهای ناصرالدین شاه بیشتر رُست دینداری بود و پررونق شدن تعزیه در این دوران بیشتر به خاطر ابتکار و خلاقیت تعزیه‌خوان‌ها بود.
اگرچه این ابتکار و خلاقیت در دوران رضاشاه به خاطر سیاست‌های ضددینی او و ممنوعیت برگزاری مراسم عزاداری ابعادالله تا حد زیادی کم‌رنگ شد، به طوری که حتی در زمان رضاشاه تکیه دولت ویران شد.

خاورشناسان و نمایندگان دولت‌های اروپایی در ایران، بیشترین سهم را در شناسایی و گردآوری تعزیه‌نامه‌ها داشته‌اند. بعضی احتمال داده‌اند که «جنگ شهادت» قدیمی‌ترین تعزیه‌نامه تاریخ‌دار است. اگر تاریخ مکتوب برخی از نسخ تعزیه‌نامه‌ها قابل اعتماد باشد، می‌توان گفت که یکی از کهن‌ترین نمونه‌های آنها در سال ۱۱۳۳ نوشته شده است.



WWW.ZAHEI PHOTO BY MOHAM

معنی تعزیه

تعزیه در لغت به معنی صبر و آرامش دادن به بازماندگان کسی است که عزیزی را از دست داده‌اند.
شیعیان غیرایرانی (مثل شیعیان عراقی) به نوعی مراسم نمادین عزاداری خودشان تعزیه می‌گویند، اما بین ایرانی‌ها تعزیه یک مراسم شبیه‌خوانی است که اتفاق‌های روز عاشورا را عده‌ای شبیه‌خوان بین مردم اجرا می‌کنند.
پس تعزیه نوعی عزاداری مخصوص شیعیان است. ابتدا دسته‌های عزاداری‌ای وجود داشتند که از مقابل تماشاچیان می‌گذشتند و با سینه و زنجیر زدن، کوبیدن سنج، حمل نشانه‌ها و علم‌ها و هم‌آوایی و هم‌سرایی در خواندن نوحه، ماجرای کربلا را به مردم یادآوری می‌کردند. در مرحله بعد آوازها کمتر شد و نشانه‌ها بیشتر و یکی، دو واقعه‌خوان ماجرای کربلا را نقل می‌کردند و سنج و طبل و نوحه آنها را همراهی می‌کرد. مدتی بعد، تعدادی از نقالان (قصه‌گو)، با لباس‌های شبیه لباس‌های معصومین(ع) و با شبیه‌سازی، مصائب آنها را شرح می‌دادند. در مرحله بعد، شبیه‌ها با هم گفت‌وشنود می‌کردند و این‌گونه بود که بازیگران تعزیه یا تعزیه‌خوان‌ها به وجود آمدند.



تعزیه خوانی

بازیگران تعزیه دو گروه هستند: اولیاخوان و اشقیابخوان. اولیاخوان‌ها نقش معصومین(ع) حاضر در کربلا، یاران امام حسین(ع) و خانواده ایشان را بازی می‌کنند و اشقیابخوان‌ها نقش دشمنان را. اولیا یعنی کسانی که به خدا نزدیک هستند و اشقیای یعنی آدم‌های سنگدل و بی‌رحم.
دیالوگ‌های (گفت‌وگوهای) تعزیه‌خوان‌ها با یکدیگر به صورت شعر است. فقط گاهی ممکن است یکی از شخصیت‌ها چند جمله بگوید تا تماشاگران متوجه شوند داستان چطور پیش می‌رود. بیشتر بازیگران تعزیه مرد هستند و نقش زنان را مردانی بازی می‌کنند که صورت‌شان را پوشانده‌اند.
بازیگران تعزیه بخشی از متن‌هایشان را حفظ می‌کنند، اما معمولاً کاغذی هم در دست‌شان است که شعرها را روی آن نوشته‌اند و گاهی به کاغذ نگاه می‌کنند. بعضی‌ها می‌گویند علت این کار این است که تماشاگران با تعزیه‌خوان‌ها احساس نزدیکی کنند و فکر نکنند که آنها در حال اجرای نمایش هستند. چون هدف اصلی تعزیه این است که در آن ذکر مصیبت امام حسین(ع) و یارانش بشود و مردم از این راه برای ایشان سوگواری کنند.
خیلی وقت‌ها پیش آمده که اشقیابخوان‌ها مابین تعزیه متأثر شده‌اند و خودشان از مصیبتی که روز عاشورا به امام حسین(ع) و یارانش شده است، به گریه افتاده‌اند.



مراحل اجرای تعزیه

بخشی از اشعار تعزیه‌ها از مقتل‌ها (کتاب‌هایی که جزئیات حادثه کربلا در آن نقل شده) به دست می‌آید. تعزیه‌نویس‌ها اشعار تعزیه را در یک دفتر و هر دفتر شامل چند مجلس (مجموعه‌ای از حوادث) می‌نوشتند. به تناسب هر روز از محرم یکی از دفترها برای تعزیه‌خوانی آماده می‌شود. آن‌وقت تعزیه‌خوان‌ها دور هم جمع می‌شوند و هر یک اشعار مربوط به شخصیت خود را یادداشت و حفظ می‌کنند. به نسخه‌های تعزیه‌خوان‌ها «فرد» می‌گویند.
در «فردها» گاهی شیوه گفت‌وگو و نحوه ورود و خروج تعزیه‌خوان‌ها هم نوشته می‌شود. تعزیه‌نویس معمولاً فردها را با التماس دعا و طلب فاتحه از تعزیه‌بین‌ها به پایان می‌رساندند.
زمان‌های قدیم اشعار تعزیه‌ها زبان خودمانی داشته‌اند، اما کم‌کم ادبی شده‌اند. طوری که الان یکی از گنجینه‌های بزرگ ادبیات دینی ما همین اشعار تعزیه است.
تعزیه‌ها موسیقی حماسی هم دارند که بیشتر وقت‌ها هنگام جابه‌جا شدن بازیگرها در صحنه یا در لحظات حساس نمایش، نواخته می‌شود. سازهای تعزیه، سازهای سنتی مثل شیپور، نی، قره نی، طبل، دهل، کرنا و سنج هستند.

تعزیه فقط برای شهادت امام حسین(ع) و مصائب کربلا برگزار نمی‌شود، در بعضی شهرها برای امامزاده‌ها و گاهی برای حضرت علی(ع)، حضرت فاطمه‌زهرا(س) و حضرت رضا(ع) هم تعزیه برگزار می‌شود.



معلمی که با کتاب‌های کپی شده درس می‌دهد این روزها خیلی خیرساز شده است، اما خبر خروسی که سه بار از مرگ نجات پیدا کرده است در زاین خیلی دست‌به‌دست می‌شود، شما هم این خبر را بخوانید.



آموزش و پرورش به گوش یاش!!!

مهر

تدریس معلم فداکار با کتاب کپی شده!

بچه‌های مدرسه‌های در شادگان هنوز کتاب ندارند و معلم مدرسه مجبور است هر روز از روی کتاب کپی بگیرد و برگه‌ها را به بچه‌ها بدهد تا آنها از درس خواندن عقب نیفتند، اما امان از وقتی که دستگاه کپی خراب شود و دیگر کار نکنند. یکی از والدین که از این وضعیت خسته شده، از صفحات سیاه و سفید کتاب کپی‌شده فرزندش عکس گرفته و آن را در فضای مجازی منتشر کرده است. «هنزاد احمدیان»، معلم این مدرسه می‌گوید: «تنها انتظاری که دارد این است که بچه‌های کلاسش مثل همه بچه‌های ایران کتاب داشته باشند، نه کتاب سیاه و سفید و کپی.»

#مدرسه بی کتاب

مهر

۵۰ هزار نمایشگاه کتاب در ۵۰ هزار مدرسه

طرح ملی کتابخوانی در مدارس کشور به راه می‌افتد و ۵۰ هزار نمایشگاه کتاب در ۵۰ هزار مدرسه شروع به کار می‌کنند تا مدارس، کتابخانه‌هایی برای بچه‌ها به حساب بیایند. این اتفاق با همکاری وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و ارشاد انجام می‌شود و مسؤولان می‌گویند این اتفاق می‌تواند نقش مهمی در کتابخوان کردن بچه‌ها و بالاتر بردن سواد دانش‌آموزان داشته باشد.



مهر خوار

آنها می‌گویند در سه سالی که این طرح را در مدارس اجرا کرده‌اند سرانه کتاب دانش‌آموزی را از سه جلد به ۱۰ جلد افزایش داده‌اند و این کار بزرگی است. این طرح در همه استان‌های کشور برگزار می‌شود و از ۲۴ آبان‌ماه مدارس شاهد برگزاری این نمایشگاه‌ها خواهند بود.

#کتابخانه مدرسه‌ای

ایسنا

گران‌ترین بلیت‌های تاریخ ورزش

بعضی‌ها حاضرند دار و ندارشان را بدهند تا بتوانند برای یک ساعت، یک بازی را تماشا کنند. چند وقت پیش یک نفر برای دیدن بازی مسابقات تیس «ویمبلدون» که از مهم‌ترین بازی‌های تیس دنیا به حساب می‌آید ۶۵ هزار دلار پول داد که در نوع خودش بی‌سابقه بوده است. فینال جام جهانی ۲۰۱۴ بین آلمان و آرژانتین هم جزو گران‌ترین بلیت‌های تاریخ فوتبال بود و تنها کسانی می‌توانستند بازی را از نزدیک ببینند که بتوانند ۳ هزار یورو بپردازند؛ البته تنها گران‌ترین‌ها نیستند و بازی‌های «مسترز گلف» هم خیلی گران است و پولدارهایی که می‌توانند ۱۰ هزار دلار بپردازند، فقط اجازه دارند وارد سکوی تماشاگران شوند.



ایم‌های تهرانی!!!

#چه گرون

باشگاه خبرنگاران جوان

خروس خوش اقبالی که در زاین مشهور شد



شانس که نیست!!

خروسی که سه بار از مرگ نجات پیدا کرده به پرندهای خوش‌یمن برای مردم زاین تبدیل شده است. این خروس که نامش «ماسه‌پرو» است توانست در باغ‌وحشی در این کشور سه بار از مرگ نجات پیدا کند و مورد توجه مردم قرار بگیرد. این خروس قرار بود در باغ‌وحش غذای راکون شود، اما راکون ترجیح داد اردک بخورد. پس از چند ماه، سرنوشت این خروس باز هم تغییر کرد. این بار از خروس به عنوان طعمه‌ای زنده برای جلب توجه راسویی وحشی استفاده کردند. زمانی که راسو توجهی به این خروس نشان نداد، از آن به عنوان غذای شیرها و پلنگ‌ها استفاده کردند، اما این بار هم خروس توانست از مرگ جان سالم به در ببرد.

#شانس رو ببین!

مهر

۷ هزار داوطلب برای جمع‌آوری پسماند در کربلا و نجف

شاید با خودتان فکر کنید که این‌همه زباله‌ای را که در زمان اربعین جمع می‌شود چه کسانی جابه‌جا می‌کنند؟ خوب است بدانید که بیش از ۷ هزار نفر برای جمع‌آوری پسماند ثبت‌نام کرده‌اند که از میان آنها ۲ هزار نفر در اربعین به کربلا اعزام می‌شوند. براساس آمارها در اربعین بیش از ۲۰ میلیون زائر در شهر کربلا حضور دارند و زائران ایرانی که به آنجا می‌روند چند روزی را در آنجا می‌مانند.



شاه قوت

به همین دلیل شهرداری تهران بیش از ۲ هزار نیروی خدماتی را برای تمیز کردن نجف و کربلا به این دو شهر اعزام می‌کند. آنها در واقع به کمک نیروهای این دو شهر می‌روند تا با تمیز کردن معابر و انتقال زباله در بهتر برگزار شدن مراسم اربعین کمک کرده باشند.

#توفیق خدمت

ایسنا

پیشنهاد برای نگهداری آثار باستانی عراق و سوریه در فرانسه

سوریه و عراق که در حال حاضر درگیر جنگ با گروه‌های تروریستی هستند از جمله کشورهای هستند که تاریخ کهنی دارند و به همین دلیل آثار باستانی زیادی هم در این کشورها وجود دارد، اما جنگ در این کشورها باعث شد که تعداد زیادی از این آثار نابود شود یا در معرض نابودی قرار بگیرد. در فرانسه موزه‌ای برای اشیای باستانی در حال احداث است که رئیس‌جمهور این کشور پیشنهاد داده است که آثار باستانی این دو کشور به طور موقت به این موزه‌ها منتقل شود و تا پایان جنگ در این کشور باقی بماند؛ البته معلوم نیست که فرانسه این آثار را به کشورهایشان پس بدهد، اما در هر حال از خطر نابودی حفظ می‌شوند.



رستوران در زاین

#آثاری که نابود می‌شوند

ایسنا

اوباما بعد از ریاست جمهوری چه می‌کند؟

انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا نزدیک است و با انتخاب رئیس‌جمهور جدید اوباما دیگر رئیس‌جمهور نیست، اما مستمری مادام‌العمری دارد که اگر بخواهد به پول ما حساب کنید چیزی حدود ۶۰ میلیون تومان در ماه است. او دفتری هم خواهد داشت که جواب نامه‌های طرفدارانش را بدهد. قرار است اوباما بعد از رئیس‌جمهوری به شهر واشنگتن دی‌سی برود تا دختر کوچکش «ساشا» بتواند بدون مزاحمت درش را تمام کند. خانواده اوباما امارتی میلیاردری را در منطقه کالوراما در واشنگتن دی‌سی اجاره کرده‌اند. این خانه حدود ۷۶۰ متر است و ۹ اتاق خواب و هشت سرویس بهداشتی دارد.



خانم شین شریک رئیس‌جمهور آمریکا؟

#خانه‌نشینی

پانا

ارسال بیش از هزار فیلم به جشنواره فیلم رشد

جشنواره فیلم رشد جشنواره‌ای است که هر سال آموزش و پرورش برگزار می‌کند و دانش‌آموزانی که فیلم ساخته‌اند و افرادی که برنامه‌های آموزشی برای دانش‌آموزان می‌سازند در آن شرکت می‌کنند. امسال هم ۱۲۰۰ فیلم ساخته‌شده به سایت این جشنواره فرستاده شده و قرار است داوران به بررسی آنها بپردازند. مسؤولان این جشنواره امسال موضوعات را از دل برنامه درسی و دروس مختلف انتخاب کرده‌اند که بیشتر آنها مربوط به رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاروانش است. امسال در بخش دانش‌آموزی سه دانش‌آموز که در سال گذشته در جشنواره شرکت کرده بودند، فیلم‌ها را داوری می‌کنند.



پریم فیلم بهترین

#جشنواره آموزشی

اردوی مدرسه

اردوی مدرسه، تنها تفریح بچه‌های مدرسه شهید ثانی روستای تکه بود. «آتنا» چند روزی بود که از پدر و مادرش می‌خواست به او اجازه بدهند که به اردو برود و بالاخره با وساطت مادرش، پدر هم پذیرفت. آن روز تا صبح آتنا در دلش جشن برپا بود و از خوشحالی خوابش نمی‌برد. کیفش را نگاه کرد و وقتی خیالش راحت شد که لقمه و وسایلی را که می‌خواست برای اردو آماده کرده است و آنها را به همراه دارد، خیالش راحت شد. مادرش را بوسید و به سرعت به سمت مدرسه رفت تا از ماشین اردو جا نماند.

همه چیز خوب بود

محل اردو سراب گاماسیاب نهبوند بود. به آنجا رسیدند. هر کدام از بچه‌ها که زیراندازی آورده بود، کنار هم ردیف کردند. همه چیز خیلی خوب پیش می‌رفت. هوا هم حسابی خوب شده بود و انگار هوا هم دوست داشت به بچه‌ها خوش بگذرد.

وقت ناهار بود و هر کدام از بچه‌ها خوراکی‌هایی را که همراهشان بود از کیف‌هایشان در آوردند تا با هم قسمت کنند. آتنا هم کیفش را باز کرد تا وسایلی را کنار هم بچیند، اما طبق عادت همیشگی باید اول دست‌هایش را می‌شست. آب رودخانه گاماسیاب اولین چیزی بود که نگاهش را جلب کرد. آب تمیز بود و او می‌توانست دست و صورتش را آنجا بشوید. کنار رودخانه نشست، دست‌ها را داخل آب کرد. آب خنک بود، اما انگار در یک لحظه زیر پایش خالی شد، سرش گیج رفت و افتاد. امواج آب هم او را محکم گرفتند. هر چه دست و پا می‌زد انگار در آب بیشتر فرو می‌رفت. فریادهایش همه را به سمت خود کشید.



مدرسه شعر «هشت»

تشبیه را بازیم

یکی از آرایه‌های مهم در ساختن تصویر و تخیل در شعر «تشبیه» است و شاعری که آرایه تشبیه با هم صحبت کرده‌ایم و اینکه تشبیه چطور ساخته می‌شود. این آرایه شکل به کار بردن در هر دو نوع شعر یکی است. به کار بردن تشبیه مزایای زیادی کرده باشم یک بار دیگر از کار تشبیه را برایتان با مثال خواهیم گفت: برای مثال چه او: مشبه (چیزی که به چیز دیگر تشبیه‌اش می‌کنیم)، مثل: ادات تشبیه، کوه: مشبه‌به (چیزی که مشبه به او شباهت داده شده است)، وجه‌شبهه: محکم (شباهت بین مشبه و مشبه‌به).

درک بهتر

یکی از چیزهایی که در تشبیه اتفاق می‌افتد درک بهتر مطلب است؛ البته همیشه این‌گونه نیست، این مورد وقتی اتفاق می‌افتد که ما قرار باشد چیزی را که فیزیکی نیست در شعر استفاده کنیم. مثلاً کلمه «غصه». وقتی این کلمه را می‌شنویم هر کس تصویری از آن دارد. شاعر با استفاده از تشبیه سعی می‌کند مخاطب غصه را راحت‌تر درک کند. مثلاً: «غصه چون خنجری به قلم بود»

خب وقتی غصه را به خنجر تشبیه کنیم شکل فیزیکی پیدا می‌کند و درکش راحت‌تر است. خب حالا با هم چند کلمه غیرفیزیکی را به چیز فیزیکی تشبیه می‌کنیم:

مهربانی: مهربانی چون توت شیرین بود خشم: دریای توفانی است خشم من بین دریای توفانی و خشم وجه‌شبهه ناآرامی و خسارت زدن است.

دوستان من، چون در بیشتر خرها و متن‌ها که ساره، از آن تشبیه‌پردازان کم‌و‌کاست استفاده می‌شود، امروز متخصص‌ها که شعر می‌نویسند شعری هنری نیست که در تشبیه‌های خنجر از آن تشبیه استفاده کنیم و تا جایی که نمی‌توانیم آنها را حرف کنیم، چون گاهی استفاده از همه از آن تشبیه‌پردازان و خنجرنویسند می‌شود.



معلم نهدنی خودش را برای نجات دانش‌آموزش به آب زد / معلم فداکار ۱۵

آرزوهایی که آب با خودش نبرد



خانم معلم در آب شناور بود که بچه‌ها دیدند سرش به چیزی برخورد کرد و مسیروش تغییر کرد. حالا ترس و اضطراب بچه‌ها بیشتر شده بود. افراد محلی که در آنجا بودند به کمک بچه‌ها رفتند و مسیروش حرکت خانم معلم را تعقیب کردند. همه تلاش می‌کردند تا او را نجات بدهند، اما آب دست‌بردار نبود. جریان آب معلم را ۱۵۰۰ متر با خودش برد و بالاخره یکی از افرادی که آنجا بود توانست خانم معلم را از آب بیرون بکشد.

او را از آب گرفتند

خانم معلم در آب شناور بود که بچه‌ها دیدند سرش به چیزی برخورد کرد و مسیروش تغییر کرد. حالا ترس و اضطراب بچه‌ها بیشتر شده بود. افراد محلی که در آنجا بودند به کمک بچه‌ها رفتند و مسیروش حرکت خانم معلم را تعقیب کردند. همه تلاش می‌کردند تا او را نجات بدهند، اما آب دست‌بردار نبود. جریان آب معلم را ۱۵۰۰ متر با خودش برد و بالاخره یکی از افرادی که آنجا بود توانست خانم معلم را از آب بیرون بکشد.

خدا نجاتش داد

بچه‌ها شوک‌زده شده بودند و مدام گریه می‌کردند. آتنا وضع بدتری نسبت به همه بچه‌ها داشت. او کاملاً گیج شده بود. بچه‌ها دور معلم جمع شده بودند و گریه و التماس می‌کردند تا خانم معلم چشم‌هایش را باز کند. ترس از دست دادن خانم معلمی که خودش را به خاطر شاگردش به خطر انداخته بود در دل همه افتاده بود، اما خواست خدا چیز دیگری بود. خانم معلم بی‌جان بود، اما همه معلم‌ها تلاش می‌کردند آبی را که داخل ریه‌هایش جمع شده است بیرون بکشند. بالاخره کمک معلم‌ها اثر گذاشت، آب از ریه‌ها بیرون ریخت و خانم معلم به هوش آمد و بلافاصله با آمبولانس به بیمارستان آیت‌الله علمیرادیان نهدنی منتقل شد و با تلاش پزشکان حال او بهتر شد.



تاریخ تعلیم و تربیت در ایران آن قدر در حافظه‌اش معلمان فداکار سراغ دارد که به جای درس دهقان فداکار باید در همه کتاب‌های فارسی، داستان انسان‌های از خود گذشته‌ای را تعریف کنیم که فراتر از معلم، تکیه‌گاه و حافظ جان و روح دانش‌آموزان‌شان بودند. سلسله گزارش‌های «معلم فداکار» هر هفته روایت فداکاری «فاطمه مولوی»، معلمی از دیار آب‌و‌خاک را روایت می‌کند. این هفته روایت فداکاری آن وقت وسیله می‌شوی و دست تو می‌شود دست نجات. نجات بچه‌هایی که زندگی‌شان وابسته به تو خواهد بود. می‌شوی ناجی و به بچه‌ها زندگی می‌بخشی. زندگی خودت هم تغییر می‌کند. دیگر نمی‌توانی نسبت به دیگران و مسائل اطرافت بی‌تفاوت باشی. نمی‌توانی سکوت کنی. نمی‌توانی راحت عبور کنی. فقط کافی است خدا بخواند. امروز ماجرای آن معلم قزونی داریم که خدا خواست و دست نجات زندگی دختر کوچولوی دانش‌آموزش شد. معلمی که جانش را به خطر انداخت تا جان دانش‌آموز کلاس دوم ابتدایی‌اش را نجات دهد.

معلمی که خودش را به آب زد

نگاهش به همه بچه‌ها بود. دوست داشت به همه خوش بگذرد. به اندازه همه غذا درست کرده بود و با خودش به اردو آورده بود. می‌دانست که شرایط مالی بعضی از بچه‌های روستا خوب نیست و شاید غذای کافی با خودشان نیاورده باشند. بچه‌ها زیراندازها را انداختند. او هم مشغول آماده کردن سفره غذا شد. گاهی به بچه‌ها نگاه می‌کرد و از شادی و خنده آنها لذت می‌برد. آتنا را دید که برای شستن دست‌هایش به سمت رودخانه می‌رود. به کارش ادامه داد، اما جیب‌های ممتدی او را به سمت صدا کشید. آتنا بود که داخل رودخانه افتاده بود و فریادهای کمک کمکش همه بچه‌ها را مضطرب کرده بود. معلم سراسیمه هرچه را که در دستش بود روی زمین انداخت و به سمت او دوید. خودش را داخل آب انداخت و به آتنا رساند. آتنا همچنان دست و پا می‌زد. بالاخره به هر زحمتی بود او را به جمع بچه‌ها رساند، اما انگار قرار نبود نگرانی بچه‌ها تمام شود و معلم نتوانست خودش را از رودخانه بیرون بکشد و دوباره در آب شناور شد.

بالاخره به هر زحمتی بود او را به جمع بچه‌ها رساند. اما انگار قرار نبود نگرانی بچه‌ها تمام شود و معلم نتوانست خودش را از رودخانه بیرون بکشد و دوباره در آب شناور شد.



پرستارهای بیمارستان من گفتند معلم فداکاری این خانم معلم به اندازه‌ای بود که هوشش در بیمارستان هوشیار شد. این خانم معلم توانست چشم‌هایش را باز کند. اولین سوالی که پرسید این بود: «آتنا کجاست؟ حالش خوب است؟» حالا آتنا و بقیه بچه‌ها قدر فداکاری معلم‌شان را می‌دانند. آنها فهمیده‌اند که معلمی فقط درس دادن و امتحان گرفتن نیست و دنیایی از فداکاری پشت این نام نهفته است. بچه‌ها از آن روز به بعد قدر معلم‌شان را بیشتر می‌دانند و تلاش می‌کنند جا پای او بگذارند.



اولین سوالی که پرسید

پرستارهای بیمارستان می‌گفتند عمق فداکاری این خانم معلم به اندازه‌ای بود که وقتی در بیمارستان هوشیار شد. این خانم معلم توانست چشم‌هایش را باز کند. اولین سوالی که پرسید این بود: «آتنا کجاست؟ حالش خوب است؟» حالا آتنا و بقیه بچه‌ها قدر فداکاری معلم‌شان را می‌دانند. آنها فهمیده‌اند که معلمی فقط درس دادن و امتحان گرفتن نیست و دنیایی از فداکاری پشت این نام نهفته است. بچه‌ها از آن روز به بعد قدر معلم‌شان را بیشتر می‌دانند و تلاش می‌کنند جا پای او بگذارند.

تشبیه تازه باشد

اولین کسی که صورت را به گل یا ماه تشبیه کرد خیلی کار شاعرانه‌ای انجام داده بود، اما امروز اگر جایی بشنویم صورت به ماه تشبیه شده است اصلاً لذت نمی‌بریم چون بسیار تکراری است. یا اولین کسی که آدم‌های بد را به گرگ تشبیه کرد، در دوران خودش کار جدیدی بود، اما امروز هیچ کدام از این تشبیه‌ها برای ما لذتی ندارد. تشبیه ما باید نو باشد، هر چقدر تشبیه نوتر باشد و بین دوتا چیز شباهت پیدا کنیم که ظاهراً خیلی به هم شبیه نیستند، تشبیه ما قشنگ‌تر است. انگار داریم سرزمین جدیدی را کشف می‌کنیم و همیشه اکتشاف لذت دارد. مثلاً: «ماه قرص خوابی است که آرامش می‌کند» تشبیه ماه به قرص خیلی کهنه نیست «دل من شاخه شاتوت شده می‌بینی؟ نشکنی شاخه شاتوت مرا با حرفت» شاتوت رنگ قرمز دارد و شبیه است به دل و شکستن شاخه، شکستن دل را به یادمان می‌آورد.

یكی از چیزهایی که در تشبیه اتفاق می‌افتد در بهتر مطلع است: البته همیشه این گونه نیست. این مورد وقتی اتفاق می‌افتد که هر چه باشد چیزیک را که می‌بینی نیست در شعر استفاده کنیم

تشبیه‌های خوبی دارد معمولاً شاعری قوی است. قبلاً در مورد تم در شعر سپید می‌تواند به کار برود و هم در شعر کلاسیک و دارد که به آنها اشاره خواهیم کرد. برای اینکه یادآوری کوچکی له «و مثل کوه محکم است» را در نظر می‌گیریم:



یادمان باشد برای اینکه بتوانیم تشبیه خوب بسازیم، باید فکر و دقت زیادی داشته باشیم و اولین چیزی را که به نظرمان آمد ننویسیم. دنبال شباهت‌های دورتر بگردیم، شباهت‌های بین دو چیز می‌تواند در رنگ، شکل، بو، طعم و اثر یکسان آن دو چیز بر انسان یا حتی شباهت ادعایی باشد؛ یعنی شما بین آن دو چیز فقط شباهت ببینید. مثلاً شاعر می‌گوید: «جزیره شاعری تنهاست در دریا» شباهت بین شاعر و جزیره چیست؟ شاید تنهایی هر دو، شاید زیبایی هر دو یا هر چیز دیگر.

جوینده پنهان است

یادمان باشد برای اینکه بتوانیم تشبیه خوب بسازیم، باید فکر و دقت زیادی داشته باشیم و اولین چیزی را که به نظرمان آمد ننویسیم. دنبال شباهت‌های دورتر بگردیم، شباهت‌های بین دو چیز می‌تواند در رنگ، شکل، بو، طعم و اثر یکسان آن دو چیز بر انسان یا حتی شباهت ادعایی باشد؛ یعنی شما بین آن دو چیز فقط شباهت ببینید. مثلاً شاعر می‌گوید: «جزیره شاعری تنهاست در دریا» شباهت بین شاعر و جزیره چیست؟ شاید تنهایی هر دو، شاید زیبایی هر دو یا هر چیز دیگر. «دل من چون روستای متروکی است» بین دل و روستا چه شباهتی است؟ سرسبزی، متروک بودن یا چیزهای دیگر. فقط یادمان باشد این شباهت‌های ادعایی خیلی نباید دور از ذهن باشد و شبیه معما نشود. خوب حالا که در مورد تشبیه اطلاعات بیشتری به دست آوردید می‌توانید شباهت‌های بین دو چیز را بهتر پیدا کنید، برای تمرین شباهت بین کلمات زیر را پیدا کنید و با آنها تشبیه بسازید: زمین/گردو آفتاب/گل زمستان/بیمارستان خنده/مروارید

تشبیه پنهان

گاهی وقت‌ها می‌توانیم چیزی را به چیز دیگری به شکل پنهانی و یواشکی تشبیه کنیم! بدون اینکه ادات تشبیه باشد یا ترکیب درست کرده باشیم. مثلاً: «درد آن قدر فرو رفت که درمان را کشت» اینجا بدون اینکه مشخص باشد، درد به خنجر تشبیه شده است که در بدن آدم فرو می‌رود. «در شب من چشم‌های تو روشن شد» اینجا هم شاعر غیرمستقیم چشم را به چراغ تشبیه می‌کند.



در استفاده از ارکان تشبیه خسیس باشیم

«تا انار دلم ترک برداشت اشک‌هایی بهانه باریدند» تشبیه شاخه درخت به دست: «شاخه، دستی که رو به بالا رفت نارون هم دعای باران کرد» تشبیه چشم به چراغ: «در شب من دوباره روشن کن ای معلم! چراغ چشمت را»

می‌دود، بگویم «علی یوزپلنگ است!» که هم وجه‌شبه و هم ادات را حذف کرده‌ایم. راه دیگر حذف کردن ارکان تشبیه، ترکیب اضافه درست کردن است؛ مثلاً اگر خورشید شبیه پرتقال است بگویم «پرتقال خورشید»، اگر رعدوبرق مثل خنجر است بگویم «خنجر رعدوبرق». تشبیه بدون ارکان را با هم تمرین می‌کنیم: تشبیه دل به انار:

ستان من، چون در بیشتر شعرها و متن‌های ادبی، ارکان تشبیه بدون کم و کاست استفاده شود، امروز متخصص‌های شعر می‌گویند عری هنری‌تر است که در تشبیه‌هایش خیلی از ان تشبیه استفاده نکنیم و تا جایی که می‌توانیم را حذف کنیم، چون گاهی استفاده از همه ان تشبیه تکراری و خسته‌کننده می‌شود؛ مثلاً جای اینکه بگویم «علی مثل یوزپلنگ تند

چیزهایی که در تشبیه اتفاق می‌افتد در بهتر مطلع است: البته همیشه این گونه نیست. این مورد وقتی اتفاق می‌افتد که هر چه باشد چیزیک را که می‌بینی نیست در شعر استفاده کنیم





View all 6700 comments
21.000 likes

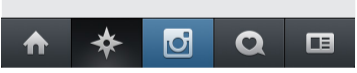
اگر خبرهای سلامت سایتها و روزنامهها را مرور کنید می بینید که در هفته حداقل چندین مطلب درباره چاقی و اضافه وزن بین نوجوانان ایرانی دارند. علت اصلی اش هم علاقه مندی به غذاهای چرب و ساندویچی است و البته کم تحرکی.

متأسفانه عده زیادی از نوجوانها وقتی به فکر اضافه وزنشان می افتند که کمی دیر شده است؛ یعنی در یک سنی اصولاً زیبایی تعریف دیگری دارد و خیلی مهم نیست، ولی از یک سنی به بعد که یکدفعه متوجه می شویم چقدر تغذیه و سبک زندگی غلط روی سلامت ما تأثیر بد گذاشته است. این سن زمانی است که بچهها شروع به رژیم گرفتن و فشار آوردن به بدن خود برای رسیدن به اندام مناسب می کنند، در حالی که شما یک شبیه چاق نشده اید که بخواهید یک شبیه هم لاغر شوید.

خانم «لاله حاکمی»، نائب رئیس فدراسیون پزشکی ورزشی کشور می گوید که ۹۰ درصد مردم ایران فعالیت ورزشی منظمی ندارند. شاید حالا تنها ناراحتی شما چاقی باشد، اما این چاقی در صورت درمان نشدن و بدتر شدن در بزرگسالی به بیماریهایی مثل دیابت، کمردرد و... تبدیل می شود.

شاید همین الان دارید با خودتان می گوید که می توانید غذای سالم تر بخورید، اما وقت برای ورزش کردن ندارید. باور کنید ورزش کردن از آن چیزیه که فکر می کنید ساده تر است؛ مثلاً یک دوچرخه می خواهید که به جای تاکسی و اتوبوس سوار آن بشوید و هر روز به مدرسه بروید و برگردید یا مثلاً اندازه یک ربع مسیر رفتن به خانه یا مدرسه را طولانی تر کنید و روزی نیم ساعت پیاده روی کنید. این کارها علاوه بر یک تغذیه درست و حسابی، خیلی سریع تر از رژیم های تلگرامی شما را به هدفتان می رساند.

حتی می شود در خانه هم ورزش کرد. با وسایل ورزشی یا از روی تمریناتی که در اینترنت هم زیاد پیدا می شود. **Ali_z**
اصلاً الان هر محله ای یک پارک دارد و پارکها هم پر از وسایل ورزشی است.



هلی! در ترانه هر مرغ که جاری است به آسمان بی غروب، نام محبوب تو را می شنوم و گل هایی که رویده بر دامنش. بارخدا یا! گاهی که خستگی بر بالهایم می نشیند و از کوچ خویشتن به تو باز می مانم یا بال مجروحم را مرهم باش یا مجال دوباره برخاستنم ببخش... الهی سفری را که با تو و تا تو در راه افتادم آسان کن... آمین یا رب العالمین.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ يَا أَعْزَمَ عَاقِلِي فِي الْبَيْتِ وَالْخَيْرِ وَالضَّحَى وَالسَّقَمِ، حَتَّى اعْتَرَفَ مِنْ نَفْسِي رُوحَ الرِّضَا وَطَمَأْنِينَةَ النَّفْسِ مِنِّي يَا بَجَلْتُ لَكَ فَيْسَا يَخْذُلُ فِي خَالِ الْخُذْفِ وَالْأَمْنِ وَالرِّضَا وَالسَّخِطِ وَالْفَرْ وَالنَّفْعِ.

خدایا بر محمد و آتش رحمت فرست و چون در انجام وظیفه شکر نعمت هایت در حال آسایش و سختی و تندرستی و بیماری کوتاهی کنم، اعتراف به حق خودت را روزیام ساز، تا به هنگام ترس و اهنی، خشم و رضا، سود و زیان، مسرت خاطر و آرامش دل خود را در انجام وظیفه نسبت به تو بیابم.

۱۱ فرز
از دعای ۲۳ صحیفه سجادیه
برداشت و الهام آزاد
از اسماعیل فیروزی



در دنیای امروز، گاهی حیوانات سوز و عکاسان خبری می شوند.

اتفاق های بازی با قطر، به ضرر فوتبال ایران تیم شد محرومیت بی موقع

چند وقت پیش بازی ایران و قطر از مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۱۸ برگزار شد. ایران در این مسابقه توانست در دقایق پایانی به قطر دو گل بزند، اما حواشی بعد از این گل و بعد از سوت پایان بازی، شیرینی برد مقابل قطری ها را کمی برایمان تلخ کرد.

باز هم این کار را انجام می دهیم

بعد از این بازی نکونام گفت که تنها گناه من خوشحالی برای برد تیم بود. او در پاسخ به این پرسش که چند بازیکن قطری گفته اند عامل اصلی تنش، کاپیتان سابق تیم ملی ایران بوده است، گفت: «گناه من فقط خوشحالی کردن بود و از این کارم هم ناراحت نیستم، زیرا من از کنار نیمکت قطر رد می شدم و ابراز خوشحالی و تشکر از «فوجان نژاد» کردم و اگر باز هم این اتفاق پیش بیاید، همین کار را خواهیم کرد». نکونام البته این را هم گفت که داور سرلانکایی بازی عملکرد ضعیفی داشت و نتوانست این بازی را مدیریت کند و همین مسأله باعث تنش بین بازیکنان شد و امیدوارم برای بازی های به این حساسی از داوران با تجربه تری استفاده شود.

فوتبال ایران محکوم شد

حالا فدراسیون بین المللی فوتبال پس از بررسی اتفاق های رخ داده در دیدار تیم های ملی فوتبال ایران و قطر، حکم نهایی اش را صادر کرده و دو بازیکن و یک مربی تیم ملی ایران را محروم کرد. فیفا نامه ای به فدراسیون فوتبال ارسال کرده و آرای صادره خود را به این شکل به اطلاع فوتبال ایران رسانده است: یک جلسه محرومیت تأیید شده «سردار آزمون» یک جلسه محرومیت تأیید شده «احسان حاجصفی» سه جلسه محرومیت تأیید شده «جواد نکونام» به سایر اعضای کادر فنی و بازیکنان شامل «پژمان منتظری» که نامش در گزارش های اولیه ارسالی ناظر بازی به مقامات فیفا و ای.اف. سی اشاره های متعددی شده بود، محرومیتی تعلق نگرفت.

ما برنده شده بودیم

بعد از گل اول ایران که در دقایق ۹۴ بازی، در حالی که به قول آقای فردوسی پور «ما گل زده و برنده شده بودیم»، ولی ناگهان وسط زمین دعوا شد و بازیکنان قطر و ایران با هم درگیر شدند.

بعد از گل اول ایران که در دقایق پایانی بازی از سوی رضا فوجان نژاد به نمر رسید جواد نکونام که اولین حضورش به عنوان مربی را روی نیمکت تیم ملی تجربه می کرد وارد زمین شد و به درگیری بازیکنان دو تیم شدت بخشید. بعد از آن خیلی ها نکونام را به خاطر درگیر شدن در این بازی سرزنش کردند.



اما لطمه بزرگ این اتفاق ها برای دیدار با سوریه به تیم ملی ایران خورد و احسان حاجصفی و سردار آزمون از این بازی محروم شدند. سردار آزمون که امید اول گلزنی تیم ملی در خط حمله بود و در دیدار سه شنبه شب روستوف برابر االتیکوما در لیگ قهرمانان اروپا هم گلزنی کرده بود، شرایط خوبی برای دیدار مقابل سوریه داشت.

هشتکو

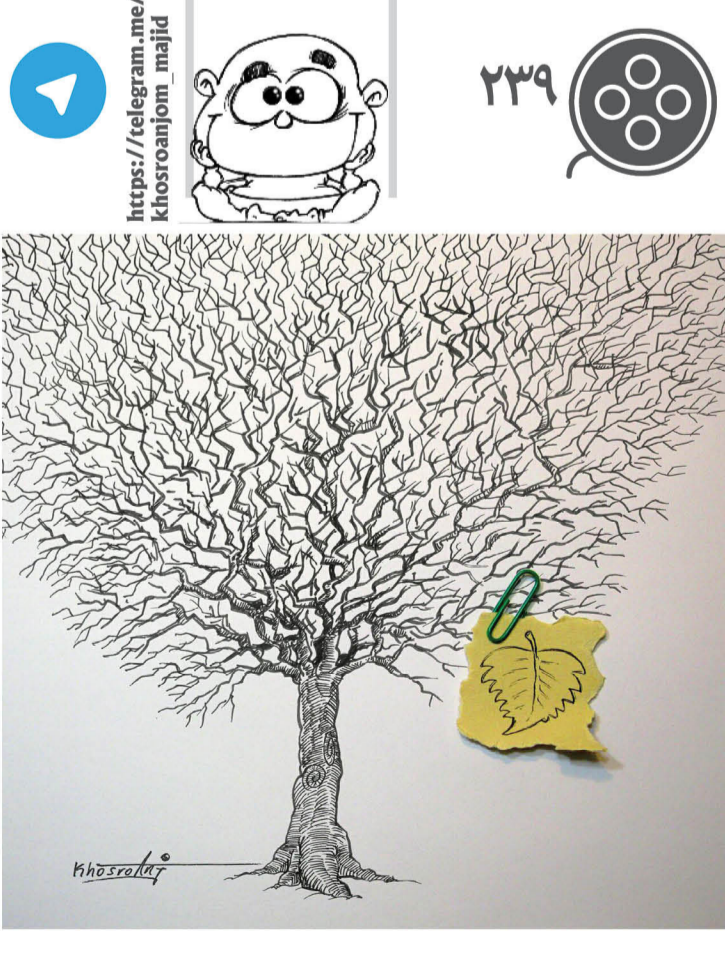
«هشتکو» جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف های خوش مزه زدن است.



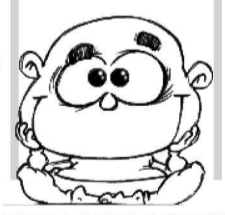
یارو میره میوه فروشی، پسرش هی از موزها می خورده. مغازه دار عصبانی می شه و می گه: چی کار می کنی؟ باباهم می گه: ولش کن، کم عقله. مغازه دار می گه: آگه کم عقله، چرا پیاز نمی خوره؟

خوشمزه خان
مرد فقیری از استادی پرسید: چرا من این قدر فقیر هستم؟! استاد پاسخ داد: چون یاد نگرفته ای که بخشش کنی! مرد گفت: من چیزی ندارم که ببخشم. استاد پاسخ داد: دارایی های کم نیست! یک صورت که می توانی لبخند بر آن داشته باشی! یک دهان که می توانی با آن از دیگران تمجید کنی و حرف خوب بزنی! یک قلب که می توانی به روی دیگران بگشایی! و چشمانی که می توانی با آنها به دیگران با نیت خوب نگاه کنی! فقرو واقعی، فقر روحی است...

استاد بزرگ



https://telegram.me/khosroanjom_majid



۲۳۹

khosroanjom

خوشمزه خان